

عکس سینمایی

می‌کند. با عکسبرداری از محل‌هایی که برای فیلمبرداری در نظر گرفته شده‌اند، امکانات صحنه‌آرایی و فیلمبرداری را به تصویر در می‌آورد.

عکاس فیلم با عکسبرداری از چهره‌های بازیگران و کارچهره‌پرداز (گریمر)، او را در کارش یاری می‌دهد. کارچهره‌پرداز با استفاده از این عکس‌ها و در مواردی که قرار است چهره‌ای را دوباره گریم کند، آسان می‌شود؛ بی‌آنکه تغییر عدمه‌ای در چگونگی گریم بوجود بیاید.

حمید روزبهانی

تهیه عکس‌هایی که در تیزر فیلم بکار می‌رود، تهیه تصاویری مثلاً برای نصب در اتاقی که وقایع فیلم در آن اتفاق می‌افتد، تهیه عکس‌هایی که از آنها مثلاً به عنوان عکس یک جنایتکار فراری برای چاپ در روزنامه استفاده می‌شود، تهیه اسلاید از منظره‌ها که در فیلمبرداری از پشت (بک پروجکشن) استفاده می‌شود... تماماً وظیفه عکاس فیلم است.

عکس‌ها را از روی کادراهای خود فیلم سینمایی بزرگ نمی‌کنند، زیرا سرعت درجه نورگیر دوربین فیلمبرداری به حدی نیست که بتواند همچون دوربین عکاسی حرکت را کاملاً راکد و متوقف کند بنابراین، در کنار کار فیلمبرداری، عکاس فیلم به تهیه تصاویری می‌پردازد که از نظر وضوح، ترکیب‌بندی و موارد دیگر برای نمایش و چاپ در مطبوعات قابل قبول باشد.

عکاس از درون لنز دوربین، موضوع را می‌بیند و طبق عقیده و سلیقه خود عکسبرداری می‌کند؛ نور بر سطح فیلم تأثیر می‌گذارد و محصول این واکنش، زبان مشترکی است که مردم جهان از هر نژاد و فرهنگی با آن ارتباط برقرار می‌کنند.

وقتی عکاسی اختراع شد، خیلی‌ها می‌گفتند که جای نقاشی را می‌گیرد، چون در آن ایام از این وسیله فقط برای خانواده‌های اشراف و چهره‌های سرشناس استفاده می‌شد. در ۱۸۸۳، یک دوربین تفنگی شبیه به مسلسل ساخته شد که از یک نظر شباهت به کار دوربین فیلمبرداری داشت، تا بالاخره در ۲۸ دسامبر ۱۸۹۵ اختراع سینما در دل عکاسی تکمیل شد و اولین فیلم کوتاه در گراند هتل پاریس به نمایش درآمد. و حالا این هنر خود در خدمت سینما قرار گرفته است؛ با عنوان «عکاسی سینمایی»!

دهه ۳۰ تا ۷۰ اوج رونق مطبوعات مصور و مجلات پر عکس است. در همین سال‌ها سینمای تجاری و مطبوعات عامه‌پسند، رابطه نزدیک و تنگاتنگی دارند و داستان‌های مصور سینمایی، هم برای فیلم‌ها و هم برای مجلات از مهمترین عوامل فروش محسوب می‌شوند.

عکاسان بسیاری به عکاسی از صحنه‌های سینمایی و بازیگرهای معروف مسی‌پردازند و جالب اینکه طرف قرارداد آن‌ها نه شرکت‌های فیلمسازی، بلکه جراید و مطبوعات هستند. در مجلات پُر تیراژی مانند لایف، هر هفته یک یا دو گزارش یا داستان مصور سینمایی چاپ می‌شود. بین سالهای ۱۹۳۶ تا ۱۹۷۲ از حدود ۱۸۰۰ روی جلد لایف، ۲۵۰ عکس آن به سینما و بازیگران مشهور اختصاص می‌یابد.

عکاسی، هنری است که همچون دیگر هنرها، انواع مختلف دارد که عکاسی سینمایی هم یکی از آن‌هاست. عکس‌هایی که از صحنه‌های مختلف یک فیلم تهیه می‌شوند، اساساً برای نمایش در مدخل سینماها و ارائه به مطبوعات در نظر گرفته شده‌اند. این عکس‌ها وسیله‌ای است برای جلب تماشاگر. از این رونق مهمی در امور مالی فیلم بازی می‌کنند. فیلم محصولی است پُر هزینه، پس لازم است که فروش خوبی داشته باشد. عکس‌ها برای برآوردن این مقصود دارای اهمیت هستند.

هنر عکاسی فیلم در شکار لحظه‌های گویای فیلم نهفته است. عکاس فیلم همچنین علاوه بر تهیه عکس‌هایی که بدان اشاره شد، عکس‌هایی نیز از مراحل ساخت و پشت صحنه فیلم تهیه می‌کند. عکاس سینمایی غیر از نقش تجاری‌ای که در تهیه فیلم سینمایی دارد، در مراحل ساخت، مثلاً در کارهای پژوهشی، نیز می‌تواند به سازندگان فیلم یاری برساند. او با تهیه عکس از پوشاک‌های قدیمی که در موزه‌ها نگهداری می‌شوند، طراح لباس را در کارش کمک

کار عکاس فیلم در محدوده مشخصی به نام فیلمنامه صورت می‌گیرد. به این ترتیب، از ابتدا می‌توان شکل و شیوه کار را سنجید. سینماکاری است گروهی. عکاس فیلم نیز در کنار گروه فیلمسازی و همراه با آنان (گروه کارگردانی، گروه فیلمبرداری، گروه فنی و...) کارش را انجام می‌دهد. کار عکاس فیلم با کار گروه‌های دیگر، ارتباط مستقیم دارد. او می‌بایست به چند و چون کار کارگردان، مدیر فیلمبرداری و بازیگران آشنا باشد تا بتواند لحظه‌های بکر و دیدنی کار را با دوربینش شکار کند. عکاس فیلم می‌بایست در مورد نوع و ژانر مخصوص هر فیلمی اطلاعات کافی داشته باشد و در صورت لزوم با مطالعه در مورد آن ژانر مخصوص و با توجه به فیلمنامه آن، اطلاعات اولیه‌ای را بدست آورد. البته برای تکمیل این آموخته‌ها و تحلیل و بررسی لحظات شاخص فیلم، گفتگو با کارگردان و فیلمبردار در مراحل قبل از فیلمبرداری هر صحنه در بهتر شدن کار تأثیر به‌سزایی دارد. گرچه همیشه موضوع فیلم دلنشین و برونق مراد نیست، اما به هر حال از موضوعی معمولی هم می‌شود عکس خوب تهیه کرد. در چنین شرایطی، عکاس باید تلاش بیشتری از خود نشان دهد، نمی‌شود گفت که چون «این موضوع جای کار نداشت، پس من هم عکس نگرفتم!» چگونگی شیوه کار گروه فیلمسازی و تلقی آنها از سینما، می‌تواند برای عکاس، مایه دل‌سردی یا دلگرمی در کار باشد.

در طول بازی و تمرین بازیگران، در مرحله قبل از فیلمبرداری نیز عکاس فرصت دارد که در مورد بسیاری از نکات صحنه مورد نظر تصمیم بگیرد و هنگام عکسبرداری، آن نکات را از فکر به عمل درآورد. به هنگام تمرین بازیگران، عکاس برای دستیابی به عکس‌های زیبا و جذاب می‌بایست محل استقرار خود و دوربینش را مشخص کند. همیشه برای عکاسی در سر صحنه، زاویه‌های مختلفی وجود دارد که عکاس باید به سرعت آن‌ها را پیدا کند و بهترینشان را برگزیند. نتیجه نگاه عکاس به کار مدیر فیلمبرداری، کارگردان،

طراح صحنه، بازیگر، گریمور و خلاصه تمام افراد گروه فیلمسازی، «عکس فیلم» است. هیچ چیز نباید از چشم عکاس پنهان بماند.

هیچ عکاسی به اندازه عکاس سینمایی با صحنه‌های جذاب روبه‌رو نیست. انواع و اقسام فیلم‌ها با سبک‌های مختلف از یکسو و موضوعاتی که در طول این فیلم‌ها رخ می‌دهد از سوی دیگر، فرصت‌های مناسبی را برای عکاس سینمایی فراهم می‌آورد. داشتن وسایل کار مناسب، ذهن و چشمانی تحلیل‌گر و اطلاعات کافی از زیر و بم فیلمنامه، بازی‌ها، حرکات دوربین و... از ضروریات کار عکاس فیلم است. حتی عکاس زنده، بدون داشتن وسایل و امکانات کافی و اطلاع راجع به فیلمنامه، قادر به انجام کار مطلوب نیست.

حرکت در سینما جوهر اصلی کار است از این رو عکاس به دوربینی نیاز دارد که سرعت شاتر و فاصله کانونی عدسی آن زیاد باشد. البته این بدان معنا نیست که بدون داشتن چنین امکاناتی عکسبرداری از صحنه‌های فیلم ناممکن است. عکاس با یک

احاطه به تمام زمینه‌های عکاسی می‌تواند برای عکاس سینمایی کمک خوبی باشد. برای اینکه ما در سینما صرفاً با پرتو باز یگرها سروکار نداریم. عکاس سینمایی برای تهیه عکس‌های و بترتبی و گیشه‌ای لازم است نوعی شمه جامعه‌شناسی هم داشته باشد تا بتواند از میان صحنه‌های مختلف، یک یا چند صحنه را که جدایت بیشتری دارند، انتخاب کند. مثلاً ممکن است فیلمی شامل صدها پلان باشد و عکاس سینمایی دم بتواند از هر پلان عکس بگیرد، در حالی که یک عکاس خوب از همه این‌ها عکس نمی‌گیرد، بلکه ابتدا سکانس‌ها را انتخاب می‌کند. هر روز و پس از حضور در صحنه، دو یا سه عکس می‌گیرد و مسلم است که منتظر عکسبرداری از تمام پلان‌ها نخواهد ماند. تفاوت او با فیلمبردار در این است که او، برخلاف فیلمبردار که تمام صحنه را می‌چرخاند، منتظر می‌نشیند تا همه اتفاقات به‌وقوع بپیوندند. او منتظر ثبت یک لحظه کوتاه و زودگذر می‌شود که این نیز کار سختی به‌شمار می‌آید.

از ویژگی‌های دیگر عکاس سینمایی این است که بداند و بتواند



بازیگر

خود را با سیستم کاری که در حال انجام آن است تطبیق دهد. عکاسان خوب سینمایی حضورشان به‌هنگام کار اصلاً احساس نخواهد شد و بهترین عکس‌ها را هم همین‌ها می‌گیرند. ولی آنهایی که ناوارد باشند همیشه چه برای خود و چه برای دیگران مشکل آفرین هستند، مثلاً همین‌ها هستند که می‌گویند: «چراغ‌ها را خاموش نکنید که می‌خواهم عکس بگیرم، بازیگرها دوباره بیایند و همین صحنه را یکبار دیگر تکرار کنند تا من هم عکس را بگیرم». یعنی به سخن ساده، تر موقعیت‌شناس نیستند که بتوانند عکس خود را به موقع و بدون تداخل در کار فیلمبردار، صدابردار و بازیگرها بگیرند. البته چون نورپردازی در استودیو به اختیار و تحت نظر فیلمبردار است، در مواقعی که فیلمبردار در نور پایین کار می‌کند و عکاس عدسی سریعی در اختیار ندارد، می‌تواند برای کار خود، نور اضافی بکار بگیرد و یا اینکه از همکاران فیلمبردار بخواهد یکی از دیفیوزرها (بخش‌کننده‌ها) را از جلو لامپ بردارد. بنابراین در این مواقع که نورپردازی را شخص دیگری تعیین می‌کند، عکاس فیلم امکان چندانی برای خودنمایی نخواهد داشت و حداکثر کاری که

دوربین و عدسی متعارف نیز می‌تواند عکس تهیه کند. اما طبیعاً امکانات محدود، موقعیتی محدود بوجود می‌آورد و عکاس به‌ناچار باید در چارچوبی مرزبندی شده کار کند. قدم نخستین در عکسبرداری از صحنه‌های فیلم، شناخت و تحلیل حرکت بازیگر و انتخاب سرعت مناسب شاتر و دیافراگم مطلوب است.

کار ویژه عکاس سینمایی در شکار لحظه‌های گویای فیلم نهفته است. این زمان را تنها خود او می‌تواند تشخیص دهد و تفاوتی که معمولاً بین عکاسان سینمایی وجود دارد، همین تفاوتی است که آنها از نظر تعیین این لحظات با یکدیگر دارند. اگر این تصور را داشته باشیم که عکاس سینمایی کاری را انجام نمی‌دهد و بهترین زوایای انتخابی توسط او همان زوایای دوربین فیلمبرداری است و بهترین نور او هم همان نورپردازی صحنه مورد نظر توسط مدیر فیلمبرداری است، شاید حرف درستی نزده باشیم؛ زیرا دیگر نمی‌توانیم به تفکیک عکاس خوب و بد در این محدوده پردازیم. چرا که او با انتخاب لنز و دیافراگم مناسب و ترکیب‌بندی خاص خود عمل می‌کند.

سکانس‌های اوتی

مخاطب عام، فیلم من، فیلم تو

هفته نامه من ...

داخلی - روز (شاید هم شب)

دفتر هفته نامه سینما (یا شاید جایی دیگر...)

در پس زمینه یک تلویزیون احتمالاً ۱۴ اینچ، چند فنجان و مقداری کاغذ روی میز. سمت راست آقای فخرزاده و سمت چپ آقای افخمی، آماده برای مباحثه.

فخرزاده: خوب بهروز جان، بنظر من فیلم عروس، عروس سینمای ایران بود.

افخمی: بله، من فکر می‌کنم سینما وسیله لذت بردن است.

فخرزاده: چی گفتی؟

افخمی: یعنی چی، چی گفتم؟

فخرزاده: مگه شوخی داری عموجان، وقتی که من می‌گم اینطوری، تو هم باید از فیلم من تعریف کنی.

افخمی: آها... بعله، باشه. «همسر» شاید به لحاظ تکنیکی یکی از شسته رفته ترین فیلم‌های ایرانی باشد.

فخرزاده: دست خوش بابا، یعنی چه، دیگه شاید نداره، من دارم میگم عروس سینمای ایران، اونوقت تو می‌گی شاید؟

افخمی: ببخشید، این مطلب رو می‌خواستم بگم که هر دو بازیگر همسر بسیار جذاب و کاملاً پذیرفتنی هستند.

فخرزاده: در روز فرشته هم با فیلمنامه‌ای که کار قرص و محکمی هم نیست و اصول درام پردازی در آن رعایت نشده، فیلم ساخته و باز با استفاده از این ترند، جذابیت به وجود آورده‌اید.

افخمی: سیگار؟

فخرزاده: بذار چایی بیارم.

فنجان‌های چای پر می‌شود، هر دو سیگاری دود می‌کنند و سپس مباحثه ادامه می‌یابد.

افخمی: در مورد عروس بگم...

فخرزاده: اونو که من تعریف کردم باباجون، تکراری می‌شه، ولش کن.

افخمی: یک نکته تکنیکی، میدونی، بقول، لارنس اولیویه، نه، چی بود، میدونی در سینمای آمریکا...

فخرزاده: باز فیلش یاد هندوستان کرد، بیا بیرون عزیز جان، عروس، همسر، روز فرشته...

افخمی: آه، بله، عروس، به اعتقاد من فیلمنامه عروس تمام خصوصیات یک فیلمنامه بد را دارد، اما در عین حال فیلمنامه خوبی به حساب می‌آید.

فخرزاده: بله، درسته، من هم معتمد، کار بد خوبی بود، یا در واقع

می‌تواند بکند این است که بازیگران را پس از فیلمبرداری دوباره دور هم جمع کند و از آنها بخواهد که بازی را تکرار کنند. به هر حال لحظه‌شناسی و شناخت حرکت سینمایی دوربین، بازیگر،... برای عکاس موفق سینمایی مهم است.

در سال‌های اخیر عکاسان زیادی به کار عکاسی سینمایی روی آورده‌اند. برخی از آنان کارشان موقتی بوده و بعد از یکی دو فیلم این کار را کنار گذاشته‌اند و یا کنار گذاشته شده‌اند. عده‌ای که مانده‌اند، دارای ذوق و سلیقه به سینما هستند و کار خود را دوست دارند؛ خوبخانه این حرفه جدی گرفته شده است. و در ایران از



هفتمین جشنواره بین‌المللی فیلم فجر به اهمیت این رشته پی برده شده است. عکاس سینمایی نماینده بصری تاریخ سینماست. در عکس‌های سینمایی است که می‌توان به تکامل فیلمبرداری، کارگردانی، صحنه‌آرایی، بازیگری، گریم و... در سینمای ایران پی برد. عکاس سینمایی عاملی برای ایجاد ارتباط است، او از ابزارش برای انتقال پیام و فرهنگ فیلم، بهره می‌گیرد.

یکی از جوهاتی که کسی نتوانسته و یا نخواسته در آن وارد شود و دخالت کند قضیه نقد، تحلیل و بررسی پیام عکس‌های سینمایی است. نشریه سینما تاثر با عنایت به کمبود چنین مباحثی، از این پس اقدام به درج سلسله مطالبی تحت عنوان «عکس سینمایی» می‌کند. امید است این سرفصل جدید مورد توجه علاقه‌مندیانی که عکاسی سینمایی را به صورت حرفه‌ای دنبال می‌کنند، قرار گیرد.

بدین منظور از عکاسان سینمایی، نویسندگان و مترجمان برای ارسال مقالاتی در این باب، دعوت به همکاری می‌نماید.